

Received: 2024/9/15
Accepted: 2025/1/26
from 51 to 72

Mojtaba Mohammadi

Anviq

Assistant Professor, Department
of Education, Ilam University,
Ilam, Iran.
mo.mohammadi@ilam.ac.ir

Mohammadjavad Khani

Ph.D. Candidate in Quranic and
Hadith Sciences, Ilam University,
Ilam, Iran. (Corresponding
Author)
khani.mohammadjavad@gmail.
com

Kosar Rashidi

M.A. Student in Psychology,
Bakhtar University, Ilam, Iran.
rashidi.kosar1378@gmail.com

Keywords:

Child Development Stages;
Child Education; Freudian
Psychoanalysis; Sigmund Freud;
Islamic Teachings.

A Critical Analysis of Freud’s Psychoanalytic Stages of Child Development in Light of Islamic Teachings: An Educational Perspective

Abstract

This study aims to critically examine Freud’s psychoanalytic stages of child development and evaluate their strengths and weaknesses from an Islamic perspective, with the ultimate goal of proposing a sound educational framework. Employing a comparative and analytical methodology, the research draws upon library sources, psychological literature, and scriptural analyses of the Qur’an and Hadith. Within Islamic societies, the direct application of psychological theories such as Freud’s—without alignment to Islamic principles—may prove inadequate. Nonetheless, identifying and utilizing the commonalities between Freudian concepts and Islamic teachings can provide valuable insights for effective child education. Freud posits that children whose oral needs are adequately gratified, who are not subjected to excessive pressure during toilet training, whose sexual curiosity between ages four and six is properly managed, and who are kept distant from sexual concerns during the latency stage (six years to puberty) are less likely to experience psychosexual disturbances. The findings indicate that several of Freud’s educational insights correspond with Qur’anic and Prophetic teachings, often presented in Islamic sources with greater depth and detail. However, certain Freudian propositions—such as interpreting infant behaviors like breastfeeding or thumb-sucking as sexual, introducing the Oedipus and Electra complexes, and associating pleasure with urinary and fecal control—are fundamentally incompatible with Islamic thought. From an Islamic viewpoint, these interpretations are unacceptable and may lead to distortions in child-rearing practices. Consequently, any application of Freudian theory in Islamic pedagogy necessitates critical reevaluation and adaptation within an Islamic epistemological framework.

تحلیل انتقادی مراحل رشد کودک در مکتب روان‌تحلیلی فروید بر اساس آموزه‌های اسلامی با رویکرد تربیتی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۶/۲۵
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۷
از صفحه ۵۱ تا صفحه ۷۲

چکیده

هدف این پژوهش تحلیل مراحل رشد کودک از دیدگاه روان‌تحلیلی فروید و ارزیابی نقاط قوت و ضعف آن بر اساس آموزه‌های اسلامی برای ارائه‌ی الگوی تربیتی مناسب است. روش تحقیق مطالعه‌ی تطبیقی با رویکرد تحلیلی است که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، متون روان‌شناسی و تحلیل‌های قرآنی و روایی انجام شده است. در جوامع اسلامی، به‌کارگیری نظریه‌های روان‌شناسی مانند نظریه‌ی فروید، بدون تطبیق با مبانی اسلامی ممکن است، ناکارآمد باشد؛ اما استفاده از وجوه مشترک این نظریه با تعالیم دینی می‌تواند در تربیت کودکان مؤثر واقع شود. فروید معتقد است، کودکانی که نیازهای دهانی آنان به‌موقع ارضا می‌شود و در آموزش کنترل دفع تحت فشار نیستند؛ همچنین کنجاوی‌های جنسی آنان در سنین چهار تا شش‌سالگی به‌درستی مدیریت می‌گردد و در دوره‌ی نهفتگی (شش‌سالگی تا بلوغ) از مسائل جنسی دور نگه داشته می‌شوند، کمتر دچار بحران‌های روانی-جنسی می‌گردند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که بسیاری از اصول تربیتی فروید با آیات و روایات اسلامی همسو است و حتی در متون دینی با تفصیل بیشتری بیان شده است. با این حال، برخی از دیدگاه‌های فروید با آموزه‌های اسلامی ناسازگار است؛ از جمله تفسیر او از رفتارهای نوزادان مانند مکیدن پستان مادر یا انگشت به‌عنوان اموری جنسی، طرح مفاهیمی مانند عقده‌ی اُدیپ و الکترا و ارتباط لذت‌جویانه‌ی کودک با کنترل ادرار و مدفوع. از دیدگاه اسلامی، این برداشت‌ها پذیرفتنی نیست و ممکن است به انحراف در تربیت کودک بینجامد؛ بنابراین، بهره‌گیری از نظریه‌ی فروید در تربیت کودک نیازمند بازخوانی انتقادی و تطبیق با چهارچوب اسلامی است.

مجتبی محمدی انویق

استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.
mo.mohammadi@ilam.ac.ir

محمدجواد خانی

دانشجوی دکتری رشته‌ی علوم قرآن و حدیث دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.
(نویسنده‌ی مسئول)
khani.mohammadjavad@gmail.com

کوثر رشیدی

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته‌ی روان‌شناسی دانشگاه باخر ایلام، ایلام، ایران.
rashidi.kosar1378@gmail.com

واژگان کلیدی:

مراحل رشد کودک، تربیت کودک، مکتب روان‌تحلیلی فروید، زیگموند فروید، آموزه‌های اسلامی.

موضوع رشد کودک یکی از مسائل بسیار مهم در مکاتب مختلف به‌ویژه در آموزه‌های دین اسلام است و همچنین دوران بزرگ‌سالی کودک کاملاً متأثر از چگونگی رشد او در کودکی است (باقری سجزی و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۲۹۶). رشد در لغت با ضم راء و سکون شین و مصدر رَشَد است و سه حرف اصلی راء و شین و دال دارد (زبیدی، ۱۴۱۴، ص ۴۵۳؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ص ۳۹۸). رشد به معانی هدایت، نجات، صلاح و کمال است (قرشی، ۱۳۷۱، ص ۱۰۰). رشد در اصطلاح در منابع دینی به معانی، شرط نفوذ تصرفات (طباطبایی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۳)، مقاومت کردن و ایستادگی در راه حق به همراه سخت شدن و ماندن در آن (طنطاوی، ۱۹۹۷، ص ۵۸۸)، هدایت (جزایری، ۱۴۱۶، ص ۲۴۶؛ شحاته، ۱۴۲۱، ص ۴۵۲؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۱، ص ۲۵۹) است و همچنین به معنی رسیدن کودک به حد تکلیف است، درحالی‌که در دینش خوب و نیکو باشد و مالش را خوب و نیکو گرداند (مصطفی، ۱۹۸۹، ص ۳۴۶). از سوی دیگر، رشد از دیدگاه روان‌شناسان به معنی تحولات و تغییرات جسمی، ذهنی، عاطفی فرد یا مجموعه‌ای از تحولات و تغییرات جسمانی و روانی او در طول عمر، یعنی از لحظه‌ی انعقاد نطفه تا هنگام مرگ است (سیف و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۳ و ۲۱)؛ به‌عبارت‌دیگر، رشد تغییرات منظم و مشخصی است که از زمان تشکیل نطفه تا هنگام مرگ در ارگان‌سیم اتفاق می‌افتد (کدیور، ۱۳۹۶، ص ۲۳). به‌طور خلاصه، رشد در اصطلاح روان‌شناسان به عملکرد بهتر محدود نمی‌شود؛ یعنی ممکن است رشد کودک گاهی در جهت مثبت یعنی برای ارتقای کودک و گاهی منفی یعنی در جهت افول او باشد (برک، ۲۰۱۴، ص ۱۷). این نکته با تعریف اسلام از رشد متفاوت است؛ زیرا در آموزه‌های دینی رشد، تنها در معنی مثبت به‌کار می‌رود؛ همچنین رشد در روان‌شناسی هم به نوع فیزیکی و جسمی و هم روحی و روانی اطلاق می‌شود؛ ولی در اسلام، رشد بیشتر برای جنبه‌ی روانی و معنوی کودک استعمال می‌گردد.

نوع اندیشیدن به موضوع رشد کودک می‌تواند زیربنای شخصیت وی در آینده را رقم بزند (ستاری و صفرنواده، ۱۳۹۸، ص ۱۰۰)؛ یعنی وقتی نوع نگاه به کودک مشخص شد، به‌تبع آن، چگونگی مراحل رشد در آن نگاه نیز مشخص خواهد شد (باقری سجزی و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۲۹۶). دانشمندان بزرگی مانند اریک اریکسون، ژان پیاژه، کارل یونگ، جروم برونر، لورنس کولبرگ و... در این زمینه، بر اساس جهان‌بینی و نوع نگاهشان به انسان، آرای خود را ارائه کرده‌اند. زیگموند فروید یکی از سرشناس‌ترین این دانشمندان است که با ایجاد مکتب روان‌تحلیلی و تبیین مراحل رشد کودک در این مکتب توانست در این زمینه تغییرات چشمگیری را ایجاد کند. بر اساس الگوی مکان‌نگاری^۱ در نظریه‌ی فروید، ذهن انسان به سه بخش ناهشیار، نیمه‌هشیار و هشیار تقسیم می‌شود. در این الگو، بخش اعظم ذهن انسان را قسمت ناهشیار تشکیل داده است. درواقع، ناهشیار محل تجمع اطلاعات و خاطراتی است که یا مهم نیستند یا بسیار برای انسان

۱- منظور از مکان‌نگاری این است که فروید ذهن انسان را به یک ساختمان تشبیه می‌کند که اجزای مختلفی دارد (فیست و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۴۱).

تلخ و دردناک و شرم‌آورند؛ همچنین بخش نیمه‌هشیار ذهن مانند سالی است که واسطه‌ی تبادل اطلاعات از بخش هشیار به ناهشیار است و در نهایت، قسمت هشیار ذهن که کوچک‌ترین بخش ذهن را تشکیل می‌دهد و تنها سطح دنیای روانی است که به‌طور مستقیم در دسترس ما قرار دارد. بر اساس نظر فروید، شکل‌گیری بخش اعظم ناهشیار که خود بخش اعظم ذهن را تشکیل می‌دهد، در دوران کودکی رخ می‌دهد؛ از این‌رو، بررسی مراحل رشد کودک در مکتب روان‌تحلیلی فروید از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است (فیست و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۴۱-۳۶)؛ بنابراین، ما در این پژوهش بر آنیم مراحل رشد کودک را از دیدگاه این دانشمند بررسی کنیم و میزان قرابت و بُعد آن را با آموزه‌های قرآنی و روایی دین اسلام بسنجیم.

تعاریفی که در برخی منابع علوم اسلامی از کودک شده است، تقریباً یکسان هستند و بیشتر دوران پیش از بلوغ، یعنی دورانی را کودکی نامیده‌اند که کودک هنوز محتمل نشده است (نفیسی، ۱۳۴۲، ص ۲۲۴۹؛ مصطفی، ۱۹۸۹، ص ۵۶۰؛ نیکنامی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۲؛ مهنّا، ۱۴۱۳، ص ۹۷)؛ همچنین در قرآن کریم نیز، در معنای طفل به کودکی تعبیر شده که به بلوغ نرسیده باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ص ۱۵۷)؛ اما معنای کودک در منابع روان‌شناسی اندکی متفاوت‌تر از منابع اسلامی است؛ به‌عنوان نمونه: سن کودکی از ابتدای تولد تا یازده_ دوازده‌سالگی است، به این صورت که از بدو تولد تا هفت‌سالگی، کودکی اول نامیده شده است و از شش_ هفت‌سالگی تا یازده_ دوازده‌سالگی (پیش از مرحله‌ی بلوغ جسمی) کودکی دوم نامیده می‌شود (سیف و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۲۵۲). البته محدوده‌ی سن کودکی در نگاه برخی دیگر از روان‌شناسان، از ابتدای تولد تا دوازده یا سیزده‌سالگی است (آنسلمو، ۱۳۷۹، ص ۲۹؛ موسوی بجنوردی، ۱۳۸۲، ص ۷)؛ اما سالیان به جای دوران کودکی اول و دوم، از چهار دوره‌ی نوباوگی (۰-۲ سال)، کودکی (۶-۲ سال)، بچگی (۸/۵-۶ سال) و پیش‌نوجوانی (۱۳- ۸/۵ سال) نام برده و کودکی را به این صورت تعریف کرده است: مرحله‌ی پیدایش زبان نحوی تا مرحله‌ی نیاز به همبازی. البته سن کودکی در افراد و فرهنگ‌های مختلف با یکدیگر متفاوت است؛ مثلاً در جامعه‌ی غرب، دوره‌ی ۱۸ تا ۲۴ ماهگی تا ۵ یا ۶ سالگی را در برمی‌گیرد (فیست و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۸۳۸ و ۸۴۵). به‌صورت کلی می‌توان سن کودکی را از ابتدای تولد تا بلوغ در نظر گرفت. بر اساس این تعریف، مدت کودکی در پسران و دختران با یکدیگر متفاوت و در دختران کمتر از پسران است؛ زیرا آنان در نه‌سالگی بالغ می‌شوند و پسران در پانزده‌سالگی به بلوغ می‌رسند (طوسی، ۱۳۸۷، ص ۲۸۳)؛ اما از دیدگاه منابع روان‌شناسی که در این پژوهش مطالعه شده‌اند، در این بحث تفکیکی میان سن دختر و پسر انجام نشده است؛ به‌عنوان نمونه، نظر کنوانسیون حقوق کودک را مدنظر قرار می‌دهیم که سن کودکی را چه برای دختر و چه پسر، زیر هجده سال در نظر گرفته است (طلایی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۳).

پژوهش‌هایی که حول شخصیت و آرای زیگموند فروید شکل گرفته‌اند، غالباً این‌گونه‌اند که یک پدیده یا رمان یا اتفاق تاریخی یا حتی یکی از دانشمندان بر اساس نظریه‌ی فروید سنجیده شده است (نک: روحانی و همکاران، ۱۳۹۴؛ ظفّری و همکاران، ۱۴۰۱؛ کزازی و کمالی بانیانی، ۱۳۹۵ و...). البته برخی آثار به سراغ خود نظریه‌ی روانی_جنسی فروید رفته‌اند و به توصیف آن پرداخته‌اند

(نک: کدیور، ۱۳۹۶، ص ۹۳ و ۹۴؛ فیست و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۹۶-۲۵؛ شولتز، ۲۰۱۳، ص ۱۴۳-۶۹ و...). بدین منظور، نسبت به او در برخی کتب روان‌شناسی نقدهایی صورت گرفته است. اولین نقد به او این است که نظریه‌ی شخصیت او به مردان گرایش داشته و او زنان را دارای عقده‌هایی نسبت به مردان دانسته است؛ دومین نقد به فروید بحث علمی بودن نظریه‌ی اوست که برخی قائل‌اند که روش‌های نظریه‌پردازی او غیرقابل‌دفاع و غیرعلمی هستند؛ زیرا نظریه‌های او نه بر تحقیق آزمایشی، بلکه بر مشاهدات ذهنی استوار بودند که او درباره‌ی خود و بیماران بالینی خویش انجام داد، درحالی‌که این بیماران بیان‌کننده‌ی افراد در کل جامعه نبودند، بلکه عمدتاً از طبقات متوسط و بالا بودند (فیست و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۸۷-۹۲).

اما با توجه به اینکه فروید یکی از اثرگذارترین روان‌شناسان در طول تاریخ روان‌شناسی است و آثار او در جوامع اسلامی به‌وفور پیدا می‌شود و حتی در دانشگاه‌های جوامع اسلامی به‌ویژه جامعه‌ی ما تدریس می‌گردد و همچنین با توجه به اینکه آرای او بدون هیچ‌گونه نقد و تحلیلی از حیث تطابق با ارزش‌های جامعه‌ی ما در حال انتشار هستند، ما را به این ضرورت رساند که به تحلیل آرای وی بر اساس قرآن و روایات اسلامی بپردازیم و همچنین با توجه به اهمیت تربیت کودک و آثار شگرف آن در آینده‌ی افراد و جامعه و همچنین با توجه به اینکه که هیچ اثری تاکنون به تحلیل و بررسی مراحل رشد کودک در مکتب روان‌تحلیلی فروید با منابع اسلامی نپرداخته است، موجب شد که به این اثر دست بزنیم. موارد یادشده به‌نوبه‌ی خویش پژوهش ما را نوآورانه ساخته است.

رویکرد پژوهش حاضر به این صورت است که ابتدا مراحل رشد کودک از دیدگاه فروید ذکر و به‌صورت اجمالی توضیح داده‌شده است؛ سپس این مراحل علاوه بر نقد و بررسی اجمالی از سوی روان‌شناسان، به شکلی تفصیلی با آموزه‌های قرآنی و روایی مقایسه و تحلیل شده‌اند و موارد افتراق و اشتراک این دو به‌دست‌آمده است؛ بنابراین، ابتدا مراحل رشد کودک در مکتب روان‌تحلیلی فروید ذکر شده است. البته پیش از ذکر این بخش در اهمیت بحث رشد و تربیت در دوران کودکی به‌ویژه در جامعه‌ی ما باید دانست که در سال‌های اخیر، با پیشرفت علم و فناوری، تبادل و انتقال فرهنگ از جوامع غربی به جوامع کمتر توسعه‌یافته موجبات تغییر فرهنگ و مبانی فکری و تربیتی در جوامع پایین‌دست را فراهم کرده است، به‌گونه‌ای که نمود آن در دروس ارائه‌شده در دانشگاه‌های این کشورها به‌ویژه در حوزه‌ی علوم انسانی کاملاً مشهود است. در این میان، کشور ایران نیز با وجود فرهنگ غنی ایرانی-اسلامی، آسیب‌هایی از این تبادلات فرهنگی در عرصه‌های گوناگون علمی، فرهنگی و اجتماعی متحمل شده است که باید برای آن چاره اندیشید (نک: گودرزی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱۰۷ و ۱۰۸). البته این مطلب به معنای نفی بهره‌گیری از تجربیات سودمند دانشمندان غربی در علوم گوناگون عقلی و تجربی نیست، چنان‌که امام علی^(ع) نیز در این باره تأکید کرده است که نباید شخصیت و اعتقادات گوینده مانع توجه و عمل به سخن درست او شود (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۵۱۷).

بر اساس این، توجه به دیدگاه‌های گوناگون دانشمندان برای دستیابی به نسخه‌ای مقبول

درباره‌ی مراحل رشد کودک و تربیت صحیح او امری ضروری است؛ بنابراین، در این پژوهش دیدگاه‌های فروید، پدر علم روانکاوی (نک: فولادی، ۱۳۹۷، ص: ۵؛ جوادی و همکاران، ۱۳۹۸، ص: ۴؛ دستمردو همکاران، ۱۳۹۸، ص: ۷) بر اساس آموزه‌های اسلامی سنجیده و شباهت‌ها و تفاوت‌های آرای او در پیوند با مراحل رشد و تربیت کودک در مقایسه با اسلام بررسی می‌شود.

مراحل رشد از دیدگاه فروید و آموزه‌های دین اسلام، از بدو تولد تا پایان زندگی انسان را در برمی‌گیرد و هر مرحله در هرکدام از این دو دیدگاه، به‌صورت کامل شرح داده شده است؛ اما پژوهش حاضر به‌صورت ویژه به مراحل رشد در دوران کودکی پرداخته است؛ زیرا از دیدگاه آموزه‌های اسلامی از سرنوشت‌سازترین دوران تربیت انسان دوران کودکی اوست. پیامبر اکرم^(ص) کودک را تا رسیدن به سن هفت‌سالگی، همچون امیر و سرور خانواده دانسته است.^۱ این تعبیر اهمیت موضوع تربیت را در دوران کودکی نشان می‌دهد؛ دورانی که به‌طورمعمول در عرف عامیانه به آن توجه نمی‌شود. زیگموند فروید نیز به‌خوبی به اهمیت و ضرورت رشد و تربیت در دوران کودکی پی برده و نسبت به آن تأکید کرده است. فروید همه‌ی سرنوشت کودک را متأثر از سالیان ابتدایی عمر او می‌داند و ازاین‌رو، مسئله‌ی تربیت دوران کودکی در کلام او حائز اهمیت است. فروید معتقد است که انسان در هیچ دوره‌ای از زندگی به‌اندازه‌ی دوران کودکی، دستخوش تأثرات و هیجانات نمی‌شود، به‌گونه‌ای که خاطرات آن پیوسته در ذهنش باقی بماند. (Freud, 1940, p. 170-175)

مسائل جنسی کودک ازجمله مهم‌ترین مسائل تربیتی در دوران کودکی است. فروید در این‌باره معتقد است که کودکان از همان روزهای آغازین تولد، فعالیت‌های جنسی (کنجکاوی کودک نسبت به اندام‌هایی مانند دهان و اعضای تناسلی که در دوران بلوغ به‌عنوان نواحی شهوت‌زا شناخته می‌شوند) از خود بروز می‌دهند و اهمیت این حرکت‌ها و فعالیت‌ها به حدی است که می‌تواند آینده‌ی کودک را کاملاً تحت تأثیر قرار دهد. (Ibid, 1905, Vol. 7, p. 176-180)

در آموزه‌های اسلامی نیز، مراحل رشد کودک و بایدها و نبایدهای مربوط به آن هم پیش و هم پس از تولد، چه از نگاه مسائل جنسی چه غیر آن، مدنظر قرار گرفته است. اسلام به تأثیر عوامل ارثی در رشد کودک و مجموعه‌ی عوامل پیش از تولد از قبیل انتخاب همسر، زمان ازدواج، ایام بارداری و زمان زایمان توجه دارد و آن‌ها را در رشد و سلامت جسمی و روانی کودک مؤثر می‌داند (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص: ۵۶۸؛ همان، ۱۳۸۰، ص: ۶۴۹؛ سیف و همکاران، ۱۳۹۵، ص: ۱۴۶).

حال پس از ذکر اهمیت مراحل رشد و تربیت انسان در کودکی در منابع اسلامی و آرای زیگموند فروید، در این پژوهش سعی شده است که ابتدا به توضیح و تحلیل مراحل رشد کودک از دیدگاه فروید پرداخته شود و سپس دیدگاه‌های وی بر اساس آیات قرآن و احادیث با رویکردی تربیتی ارزیابی و نقد گردد. پس به‌طور خلاصه، راجع به انگیزه‌ی نگارندگان این پژوهش می‌توان گفت که با توجه به اینکه جوامع اسلامی که فرهنگ و اعتقادات عمیق دینی دارند، در کنار استفاده از منابع خویش در مسئله‌ی تربیت کودک، از یافته‌ها و روش‌های جدید علوم امروزی نیز استفاده

۱- قَالَ النَّبِيُّ (ص): «الْوَلَدُ سَيِّدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ عَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ وَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ» (طبرسی، ۱۳۷۰، ص: ۲۲۲).

کنند؛ همچنین در این جوامع، موارد اشتراک و افتراق آثار متفکران غربی با منابع دینی در اختیار مراکز آموزشی قرار داده شود که دانشجویان هم از موارد اشتراکی میان این آثار و فرهنگ غنی دینی خود مطلع شوند و هم موارد اختلافی و تناقضات این آرا را دریابند تا از تقلید کورکورانه از آثار متفکران غیر اسلامی پرهیزند.

۲-۲- مراحل رشد کودک در مکتب روان تحلیلی فروید

مراحل رشد کودک در مکتب روان تحلیلی فروید به چهار مرحله‌ی دهانی، مقعدی، آلتی و نهفتگی تقسیم می‌شوند که در ادامه، شاخصه‌های هرکدام از این چهار مرحله ذکر و بررسی می‌شود.

۱-۲- مرحله‌ی دهانی: اولین سال زندگی

از دیدگاه فروید، مکیدن سینه‌ی مادر در ماه‌های آغازین زندگی، کودک را از حیث نیاز به غذا و لذت ارضا می‌کند. ارضا نشدن نیازهای اساسی کودک در این دوران احساس حرص و طمع او را از حد طبیعی فراتر می‌برد و به دنبال آن، تثبیت‌های^۱ دهانی در اثر محروم ماندن از ارضای دهانی در نوباوگی ایجاد می‌گردند و باعث ایجاد مشکلات شخصیتی پسینی، از جمله احساس بی‌اعتمادی نسبت به دیگران، نپذیرفتن محبت افراد و ناتوانی در برقراری روابط صمیمانه می‌شوند (گری، ۱۳۹۸، ص ۹۱).

۲-۲- مرحله‌ی مقعدی: یک تا سه سالگی

بر اساس دیدگاه فروید، ناحیه‌ی نشیمن‌گاه در شکل‌گیری شخصیت فرد اهمیت بسیاری دارد (گری، ۱۳۹۸، ص ۹۲). در این مرحله، ناحیه‌ی باسن و مقعد کودک محل اصلی ارضای میل جنسی است. تجربه‌های تلخی که سبب تثبیت شخص در این مرحله شود، به شلختگی، وسواس یا صرفه‌جویی بسیار منجر می‌گردد (کدیور، ۱۳۹۶، ص ۹۳). لیبیدو^۲ در مسیر حرکت خود پس از دهان، متوجه موضع نشیمن‌گاه می‌شود و در این هنگام است که کودک از تراکم و انباشت ارادی مدفوع و دفع آن با حالتی از انقباض عضلات متلذذ می‌گردد. (Freud, 1905, Vol. 7, p. 185- 190)

۳-۲- مرحله‌ی آلتی: چهار تا شش سالگی

از دیدگاه فروید، در این مرحله، نواحی تناسلی بیشترین لذت حسی را در بدن ایجاد می‌کنند. لیبیدو به تدریج متوجه هدف اصلی خود می‌گردد و در آلت تناسلی متمرکز می‌شود؛ از این رو، کودک متوجه آلت خود می‌گردد و از لمس آن لذت می‌برد. این مرحله، آخرین مرحله در دوران

۱- از نظر فروید، هرگاه نیروی جنسی به مانع برخورد کند و ارضا نشود، در مرحله‌ای که قرار دارد، تثبیت می‌شود و توانایی رفتن به مرحله‌ی بعدی رشد را از دست می‌دهد (در این باره نک: بردبار و جمالی، ۱۳۹۸، ص ۷؛ ابی‌زاده، ۱۳۸۶، ص ۳).
۲- انرژی روانی- جنسی (نک: اسدی و قلی‌زاده، ۱۳۹۶، ص ۵-۶).

خوددوستی است که فروید آن را مرحله‌ی فالوس^۱ (لفظی یونانی به معنای آلت تناسلی مرد) می‌نامد (Ibid, p. 194- 197).

تجارب نامناسبی که باعث تثبیت شخص در این مرحله شود، احتمالاً باعث ایفای ناقص نقش‌های جنسی در آینده می‌گردد (کدیور، ۱۳۹۶، ص ۹۳). کودک در این دوران امیال ناهشیاری دارد که خاستگاه آن‌ها وجود میل جنسی نسبت به والدین و نزدیکان است. کودک این امیال را نسبت به والد جنس مخالف خود پرورش می‌دهد؛ اما به علت خاصیت تهدیدکنندگی، این امیال در درون کودک سرکوب می‌شوند و از این‌رو، عقده‌های ادیپ^۲ و الکترا^۳ در درون او به وجود می‌آیند (گری، ۱۳۹۸، ص ۹۲).

والدین اولین معشوق‌های کودک‌اند؛ اما کودک نباید آنان را در جایگاه معشوق نهایی انتخاب کند، بلکه لازم است از آنان عبور کند و این معشوق‌های اولیه را در صورت کسانی دیگر جستجو نماید. بر اساس این، در سن بلوغ، چون عشق‌های اولیه در خاطرش جاودان‌اند، او می‌کوشد جفت جدید خود را هرچه منطبق‌تر بر والدین خویش انتخاب کند. (Freud, 1909, Vol. 9, p 237 -241)

از نظر فروید، کودک (پسر بچه) از یک‌سو با پدر خویش همانندسازی می‌کند و از سوی دیگر می‌خواهد مادرش را تصاحب نماید. او سرانجام همانندسازی را رها می‌کند و به دنبال تصاحب مادر می‌رود و بر همین اساس، او دوست دارد که پدر را دور نماید و مادر را در رابطه‌ای جنسی تصاحب کند. این وضعیت رقابت با پدر و میل جنسی نسبت به مادر به عقده‌ی ادیپ ساده‌ی مردانه مشهور است (فیست و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۶۳)؛ همچنین فروید معتقد است که دختر نوعی احساس خصومت با مادر را در سر می‌پروراند؛ زیرا او را بدون آلت مردانه متولد کرده است. او برای جبران این نقص، به دنبال برقراری ارتباط جنسی با پدر می‌رود. میل به ارتباط جنسی با پدر و احساس خصومت نسبت به مادر عقده‌ی ادیپ ساده‌ی زنانه نامیده می‌شود (همان، ۱۳۹۸، ص ۶۵). از نظر فروید، تثبیت کودک در هر کدام از این مراحل عوارض ناپسندی ایجاد می‌کند، چنان‌که اگر کودک به‌درستی از این مراحل عبور نکند، آثار و پیامدهای سوء آن در آینده متوجه او خواهد شد. او عوارض تثبیت در مرحله‌ی دهانی را ناتوانی در اعتماد به خود و دیگران، ترس از عشق‌ورزی و برقراری روابط صمیمی و عزت‌نفس پایین و عوارض تثبیت در مرحله‌ی مقعدی را ناتوانی در تشخیص و ابراز خشم، انکار قدرت خویش به‌عنوان انسان و نداشتن احساس استقلال و عوارض تثبیت در مرحله‌ی آلتی را ناتوانی در پذیرفتن کامل تمایلات و احساسات جنسی و همچنین مشکل پذیرفتن خویش به‌عنوان مرد یا زن برشمرده است (گری، ۱۳۹۸، ص ۸۹ و ۹۰).

1- Phallus

۲- تمایل پسر بچه به ارتباط جنسی با مادر (زارع نیستانک و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۲).
۳- میل دختر بچه به ارتباط جنسی با پدر (همان، ص ۳).

۴-۲- مرحله نهفتگی: ۶ سالگی تا پیش از بلوغ

کودک با ایجاد دفاع‌های نیرومند در برابر احساسات ادیپی وارد دوره‌ی نهفتگی می‌شود که از ۶ تا ۱۱ سالگی طول می‌کشد. سرکوب مسائل جنسی در این دوره به‌طور کامل انجام می‌گردد؛ یعنی احساسات و خاطرات ادیپی و موارد مربوط به مراحل دهانی و مقعدی نیز فراموش می‌شوند و کودک به‌نوعی خودکنترلی می‌رسد و کودک می‌تواند انرژی خود را به سوی فعالیت‌های مقبول جامعه مانند ورزش‌ها و بازی‌ها و فعالیت‌های عقلایی هدایت کند (کرین، ۱۴۰۰، ص ۴۱۸ و ۴۱۹). یکی از علل به وجود آمدن مرحله‌ی نهفتگی، تنبیه کردن کودکان و منع فعالیت‌های جنسی ایشان از سوی والدینشان است. اگر ممانعت والدین با موفقیت همراه باشد، در این صورت، کودکان سائق جنسی خود را سرکوب می‌کنند و انرژی خود را به سوی فعالیت‌های درس خواندن، روابط دوستی، سرگرمی‌ها و کارهای غیرجنسی هدایت می‌نمایند (فیست و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۶۸). فروید معتقد بود در این مرحله، تکانه‌های جنسی کودک به حالت آرام و ملایمی قرار می‌گیرند (نک: هال، ۱۳۹۱)؛ به‌عبارت‌دیگر می‌توان گفت، در این سن، کودک موقتاً به فعالیت‌های تحصیلی، سرگرمی‌ها، ورزش‌ها می‌پردازد و در این سن غریزه‌ی جنسی خفته است (شولتز، ۲۰۱۳، ص ۱۰۳)؛ یعنی تمایلات در مدرسه، همبازی‌ها، ورزش‌ها و دامنه‌ای از فعالیت‌های جدید جایگزین تمایلات جنسی می‌شوند. این دوره زمان جامعه‌پذیری است، به‌طوری‌که کودک به محیط پیرامون روی می‌آورد و با دیگران رابطه برقرار می‌کند (گری، ۱۳۹۸، ص ۹۲). از مطالب یادشده می‌توان دریافت که بر اساس نظر فروید، کودک تا پیش از ۶ سالگی درگیر مسائل جنسی است و پس از آن تا پیش از دوران بلوغ، به یک آرامش نسبی دست می‌یابد و انرژی خود را به جای به‌کارگیری مسائل جنسی در خدمت فعالیت‌های اجتماعی مانند ورزش کردن و مدرسه رفتن و یادگیری می‌گذارد.

۳- نقد مراحل رشد کودک در نظریه‌ی فروید

در این بخش از پژوهش، دیدگاه فروید درباره‌ی مراحل رشد کودک در مکتب روان‌تحلیلی او بر اساس آموزه‌های اسلامی با رویکردی تربیتی نقد می‌گردد و از این رهگذر، میزان تطابق این مراحل با آیات و روایات اسلامی سنجیده می‌شود و می‌توان خانواده‌ها را به راهکار مناسبی برای تربیت فرزندان‌شان برساند.

۱-۳- نقد مرحله‌ی دهانی

زیگموند فروید در کتاب سه رساله درباره‌ی نظریه‌ی جنسیت (۱۹۰۵، ج ۷، ص ۱۸۱)، مکیدن پستان مادر را یک «کوشش جنسی» تفسیر می‌کند؛ اما اریک اریکسون در جلد اول کتاب کودکی و جامعه (۱۹۵۰، ص ۲۳۴-۲۱۹)، این دیدگاه را به چالش می‌کشد و نشان می‌دهد که این رفتار پایه‌ای برای شکل‌گیری اعتماد در کودک است. جان بالبی در جلد اول دل‌بستگی و فقدان (۱۹۶۹، ص ۱۷۷)، نظریه‌ی فروید را به علت تقلیل دل‌بستگی به سائق‌های جنسی یا تغذیه‌ای نقد می‌کند. او نشان می‌دهد که محرومیت از تماس عاطفی پایدار (نه تماس دهانی) در سال‌های اولیه عامل

اصلی اختلالات دل‌بستگی است.

در بررسی این مرحله بر اساس آموزه‌های اسلام باید گفت که بر اساس آموزه‌های اسلامی، بهتر است دوران شیردهی کودکان دو سال کامل باشد و پدر و مادر در برآورده ساختن این نیاز اولیه‌ی او کوتاهی نورزند. قرآن کریم در این‌باره فرموده است: «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ»^۱ (بقره، ۲۳۳). این نکته چنان اهمیت دارد که قرآن کریم خطاب به مردان نسبت به زنان مطلقه‌ی آنان فرموده است: «... فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَأُتْرُوا بَيْنَكُمْ مَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَاسَرْتُمْ فَسْتَزِجْ لَهٗ أُخْرَى»^۲؛ همچنین بنا به گفته‌ی برخی فقها سزاوار است که مرد مزد شیردهی را به همسر خویش بپردازد (خمینی، ۱۴۰۹، ص ۳۹۲). البته این موضوع در نظر برخی از فقیهان به‌عنوان حق مسلمی برای مادر مطرح‌شده است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۹، ص ۴۰۵).

پیش‌تر گذشت که بر اساس نظریه‌ی فروید، کودکی که نیاز او در مرحله‌ی دهانی به‌خوبی پاسخ داده نشود، در آینده دچار مشکلات تربیتی از قبیل بی‌اعتمادی و ترس می‌گردد. در آموزه‌های اسلامی نیز تأکید شده است که حتی برای لحظات کوتاهی نباید کودک از این نیاز ضروری محروم شود؛ تا جایی که مادر اجازه دارد حتی در حین نماز به کودک خود شیر دهد (نک: حر عاملی، ۱۴۰۹، ص ۲۸۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ص ۲۹۷). بر اساس این، نتیجه‌ی مقایسه‌ی نظریه‌ی فروید و دیدگاه اسلام درباره‌ی این مرحله آن است که هر دو قائل به آن‌اند که نیاز کودک به پستان مادر باید در هر مکان و زمانی به‌طور کامل پاسخ داده شود، با این تفاوت که فروید مکیدن سینه‌ی مادر را نیازی جنسی (نیازی برای کسب لذت) تلقی می‌کند و او در این‌باره این‌گونه گفته است: نخستین اندامی که از زمان تولد به‌صورت ناحیه‌ای شهوت‌زا پدید می‌آید و خواسته‌هایی شهوی به ذهن متبادر می‌کند، دهان است. در وهله‌ی اول، همه‌ی فعالیت‌های روانی معطوف به ارضای نیازهای آن ناحیه از بدن است. البته این ارضا در اصل با هدف خوراک‌رسانی به بدن برای حفظ جان صورت می‌گیرد؛ اما شناخت کار اندام‌های بدن را نباید با روان‌شناسی اشتباه گرفت. اصرار سرسختانه‌ی نوزاد برای مکیدن شیر از مادر در همان مراحل آغازین زندگی حکایت از نیاز او به ارضا شدن دارد؛ ارضایی که گرچه سرمنشأ آن نیاز کودک به غذاست؛ اما صرف‌نظر از آن، کوششی برای کسب لذت نیز به‌شمار می‌رود و به همین سبب می‌توان آن را به‌اصطلاح کوششی جنسی نامید. همسو با آن، او درباره‌ی استمنای کودک در سه مرحله سخن می‌گوید: ۱. استمنای کودک در شیرخوارگی؛ ۲. استمنای کودک در اثنای چهارسالگی؛ ۳. استمنای دوره‌ی بلوغ. (Freud, 1905, Vol. 7, p. 181- 197)

در تحلیل استمنای نوع اول و دوم از دیدگاه اسلام باید گفت که به‌طورکلی، استمناء در اسلام امری ناپسند به‌شمار رفته و عواقب نامطلوبی از قبیل عذاب اخروی و محرومیت از سخن گفتن

۱- و مادران [باید] فرزندان خود را دو سال تمام شیر دهند.

۲- ... و اگر برای شما [بچه] شیر می‌دهند مردشان را به ایشان بدهید و به شایستگی میان خود به مشورت پردازید و اگر کارتان [در این مورد] باهم به دشواری کشید، [زن] دیگری [بچه را] شیر دهد (طلاق: ۶).

خدا با شخص استمناء‌کننده در قیامت برشمرده شده است (ابن‌بابویه، بی‌تا، ص ۱۱۹ و ۱۲۰). از سویی، بر اساس نظر فروید، در این دو نوع استمناء کودک کاملاً بی‌اختیار استمناء می‌کند؛ اما پذیرش این مطلب که اسلام با استمناء در این دو مرحله موافق باشد، ممکن نیست؛ زیرا امکان ندارد خداوندی که با استمناء مخالف است، آن را در سنین پایین در ذات پاک کودکان (نک: ابن‌حیون، ۱۳۸۵، ص ۱۲۳) نهاده باشد. بر اساس این، دچار شدن کودک در این دو مرحله به استمناء از دیدگاه اسلام امری نپذیرفتنی است؛ همچنین مرحله‌ی سوم استمناء یعنی استمنای از روی اختیار در سن بلوغ نیز از دیدگاه اسلام ممنوع و جزء محرّمات است. در این‌باره روایت است که شخص استمناء‌کننده را نزد امام علی^(ع) آوردند و آن حضرت او را تنبیه و سپس مقدمات ازدواجش را فراهم کرد (حکیمی و همکاران، ۱۳۸۰، ص ۳۰۵).

چنان‌که گذشت، بر اساس دیدگاه فروید، مکیدن پستان مادر یا انگشت خود از سوی کودک برای ارضای میل جنسی است. حال آنکه این دیدگاه با نکاتی که اسلام راجع به مسائل جنسی کودکان دارد، ناهمخوان است. در این‌باره ممکن است گفته شود، منظور فروید از ارضای لذت جنسی کودک مباحث تناسلی و شهوانی نیست، همچنان که خود او نیز بر این نکته تأکید کرده است (Freud, 1905, Vol. 7, p. 179-182)؛ اما در این صورت، در کلام فروید با تناقضی در معنای کلمه‌ی جنسیت روبرو می‌شویم، چنان‌که فروید در جایی درباره‌ی کلمه‌ی جنسیت می‌گوید: «از عالی‌ترین نمودارهای ذوقی و هنری بشری تا پلشت‌ترین تمایلات تخریبی انسان و سرانجام آمیزش فیزیولوژیکی زن و مرد، همه در قسمت جنسیت مطالعه می‌شوند. ما کوشیده‌ایم تا این توجیه را مفهوم گردانیم؛ اما متأسفانه به شکل سلاخی به‌دست مغرضان مورد انتقاد و استفاده قرار گرفته است» (Ibid, p. 207-210). این در حالی است که او در توضیح مرحله‌ی نهفتگی در رشد که مربوط به شش‌سالگی تا پیش از بلوغ است، می‌گوید: «بعد از آشوب تکانه‌های جنسی سال‌های قبل، این دوره نسبتاً آرام است. تمایلات در مدرسه، همبازی‌ها، ورزش‌ها و دامنه‌ای از فعالیت‌های جدید جایگزین تمایلات جنسی می‌شوند» (گری، ۱۳۹۸، ص ۹۲).

تناقض اینجاست که اگر جنسیت همه‌ی انگیزه‌های مولود فعالیت‌های بشری است، پس تمایلات در مدرسه، همبازی‌ها و ورزش‌ها را نیز باید شامل شود، حال آنکه فروید این اعمال را از دایره‌ی جنسی بودن خارج می‌کند. تناقض موجود این احتمال را تقویت می‌نماید که مقصود فروید از مسائل جنسی پیش از دوران نهفتگی یعنی در شش سال اول رشد، مسائل شهوانی بوده است. مؤید این موضوع می‌تواند این نکته باشد که اگر منظور فروید را غیر از حالات شهوانی در نظر بگیریم؛ یعنی لذاتی که نوزاد از مکیدن می‌برد، از نوع همه‌ی لذات انسانی (غیر از لذات شهوانی) است، در این صورت، نخست، نمی‌توان نظر فروید را در جایگاه یک نظریه‌ی جدید مطرح کرد و پذیرفت و دوم، اینکه دلیلی برای مخالفت با او و انتقاد از او وجود ندارد.

ممکن است گفته شود، احکام اسلام برای کسانی موضوعیت پیدا می‌کند که به سن تکلیف رسیده باشند و برای کودک حرام و حلال بی‌معنی است. بر اساس این، نمی‌توان گفت که دیدگاه اسلام با دیدگاه فروید نسبت به جنسی بودن برخی فعالیت‌های کودکان مخالف است؛ زیرا

این موضوع اساساً در حیطة‌ی اوامر و نواهی اسلام نیست و به مردان و زنان بالغ مربوط است و شامل کودکان نمی‌شود. باین‌حال باید گفت که هرچند در اسلام، کودکان از اجرای احکام الهی معاف‌اند؛ اما اینکه آموزه‌های اسلامی والدین را از انجام هرگونه عمل جنسی در نزد کودکان منع می‌کند، بدان معناست که این اعمال تأثیرات نامطلوبی بر روی کودک می‌گذارد؛ بنابراین، از نظر این آموزه‌ها وجود تمایلات جنسی در درون نوزاد بعید به‌نظر می‌رسد، چنان‌که کودکان با مشاهده‌ی رابطه‌ی جنسی والدین یا شنیدن صدای آنان حین این عمل و همچنین با مواجهه با هر عمل و حالتی که به امور زناشویی پدر و مادر مربوط است، دچار آسیب‌های روحی و روانی جبران‌ناپذیری در آینده می‌شوند. در اسلام تأکید شده است که این کار می‌تواند زمینه‌ی ارتکاب عمل حرام زنا را در آینده برای کودک فراهم سازد و رستگار نشدن او را به‌دنبال داشته باشد، چنان‌که امام صادق^(ع) در این‌باره فرموده است: «اگر شخصی با همسر خویش درآمیزد و در اتاق کودکی بیدار باشد که آنان را ببیند و سخن گفتن و صدای نفس آن دو را بشنود، رستگار نمی‌شود، چنان‌که اگر پسر باشد، مردی زناکار و اگر دختر باشد، زنی زناکار می‌گردد (حر عاملی، ۱۳۷۶، ص ۳۲۷).

۲-۳- نقد مرحله‌ی مقعدی

فروید در کتاب سه رساله درباره نظریه‌ی جنسیت (۱۹۰۵، ج ۷، ص ۱۸۵-۱۷۹)، کنترل دفع را به «لذت جنسی» مرتبط می‌داند. در مقابل، بندورا در کتاب نظریه یادگیری اجتماعی (فصل سوم: خاستگاه‌های رفتار)، پایه‌های نظریه‌ی یادگیری اجتماعی را به‌عنوان جایگزینی علمی برای الگوهای تعیین‌گرایانه‌ی فروید معرفی می‌کند. او نشان می‌دهد که رفتارهای انسان ازجمله رفتارهای پیچیده مانند پرخاشگری، همکاری یا یادگیری نقش‌های اجتماعی، نه از طریق مراحل زیستی، بلکه از طریق تعامل فعال با محیط شکل می‌گیرند. این نقد چهارچوب نظریه‌ی فروید را به چالش می‌کشد و نقش محوری شناخت و تجربه را در روان‌شناسی برجسته می‌سازد (بندورا، ۱۹۷۷، ص ۸۸-۹۲)؛ همچنین کاگان در سرشت کودک (۱۹۹۴، ص ۱۳۰-۱۴۰ و ۱۷۰-۱۸۰) نشان می‌دهد که اگرچه تفسیر جنسی فروید نادرست است؛ اما اهمیت این مرحله در شکل‌گیری خودمختاری را می‌توان پذیرفت و تنش‌های این دوره بیشتر مربوط به استقلال‌یابی است، نه مسائل جنسی.

در بررسی این مرحله در منابع اسلامی مشاهده می‌شود که همه‌ی همت این منابع بر آن گماشته شده است که توجه کودک به مسائل جنسی یا مقدمات آن به حداقل برسد. به‌طور خاص، برای تخلی (دفع ادرار و مدفوع) آدابی ذکرشده است که نشان از تأثیر آن بر سلامت جسم و روان افراد دارد. ازجمله‌ی این آداب می‌توان به کراهت نگهداری بول و غائط اشاره کرد (خمینی، ۱۳۹۲، ص ۱۷)؛ و در چگونگی ارتباط نهی موجود در این حکم برای بزرگسالان نسبت به کودکان می‌توان این‌گونه گفت که نگهداری ادرار و مدفوع ممکن است باعث توجه و لذت کودک به این دو بخش می‌شود که از نواحی اصلی جنسی در آینده به‌شمار می‌آیند و به‌تبع آن، انحرافات جنسی او در آینده گردد (قبادیان و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۲۹). این مهم در مرحله‌ای از رشد کودک

خود را نشان می‌دهد که او در حال یادگیری توالیت رفتن به‌طور مستقل است؛ زیرا برخی از کودکان در این مرحله به علت فشار والدین یا مجبورند ادرار و مدفوع خود را بیش‌ازحد نگه دارند یا اگر در جای نامناسب تخلی کردند، تنبیه می‌شوند که این تنبیه آثار زیان‌بار روحی و جسمی را برای کودک در پی دارد که امروزه روان‌شناسان متوجه آن شده‌اند. بر اساس گزارش‌های موجود، پیامبر اکرم^(ص) این نکته‌ی تربیتی را رعایت می‌کردند: «کودکان خردسال را همواره به محضر پیامبر اکرم^(ص) می‌بردند تا از خداوند برای آنان برکت بخواهد یا نامی برای آنان بگذارد. آن حضرت^(ص) برای احترام، کودکان را بر دامن خود می‌گذارد و چه‌بسا کودکی بر دامن وی بول می‌کرد و در این هنگام، یکی از حاضران بانگ می‌زد؛ اما حضرت^(ص) مانع جلوگیری اطرافیان از ادرار کودک می‌شد و حتی او را آسوده می‌گذاشت تا بولش تمام شود و پس از آن برای او دعا کرده و نام او را انتخاب می‌کرد و خانواده‌ی وی را خوشحال می‌ساخت، به‌گونه‌ای که می‌فهمیدند حضرت از بول کودک ناراحت نشده است و پس از آنکه می‌رفتند، پیامبر اکرم^(ص) لباس خود را شستشو می‌کرد» (طبرسی، ۱۳۶۵، ص ۵۱). پیامبر اکرم^(ص) با این رفتار، یادآور این نکته شده که اهمیت بحث تخلی تا جایی است که وقتی کودک نیاز به تخلی پیدا می‌کند، نباید مانع او شد و با تندی با وی برخورد کرد، حتی اگر کودک در آن لحظه در آغوش پیامبر خدا^(ص) قرار داشته باشد.

فروید عوارض تثبیت مرحله‌ی مقعدی را شلختگی، وسواس در نظافت یا صرفه‌جویی بیش‌ازحد دانسته است و این در حالی است که منابع اسلامی نیز تأکید کرده‌اند که نباید در زمینه‌ی ادرار و مدفوع کودکان به آنان فشار آورد یا از آنان عصبی شد و آنان را منع کرد، بلکه کودک را باید در این کار آزاد گذاشت و هر وقت احساس نیاز به تخلی پیدا کرد، به او کمک نمود. بر اساس این می‌توان گفت که رعایت کردن نکات بیان‌شده در اسلام مانع از تثبیت کودک در مرحله‌ی مقعدی می‌گردد و از این‌رو، می‌توان نتیجه گرفت که دیدگاه فروید در اینجا با آموزه‌های اسلامی مطابقت دارد، با این تفاوت که فروید از حالتی که کودک مدفوع خود را نگه می‌دارد، به‌عنوان امری جنسی یاد کرده است، درحالی‌که چنان‌که گذشت، از دیدگاه اسلام، مسائل جنسی در محدوده‌ی خاصی تعریف شده‌اند و دوران کودکی دوران کتمان و پنهان‌سازی مسائل جنسی به‌شمار می‌رود (مقدادی و جوادپور، ۱۳۹۶، ص ۱۱).

۳-۳- نقد مرحله‌ی آلتی

فروید در کتاب سه رساله درباره نظریه‌ی جنسیت، عقده‌ی ادیپ را مطرح می‌کند. از نظر فروید، توجه کودک در این مرحله بر آلت تناسلی خویش متمرکز می‌شود و باعث ایجاد تدریجی عقده‌ی ادیپ و الکترا در او می‌گردد (۱۹۰۵، ج ۷، ص ۱۷۵-۱۸۵). فروید در عقده‌ی ادیپ و الکترا قائل به این مطلب شده است که کودک انگیزه‌ی برقراری ارتباط جنسی با محارم خویش را در سر می‌پروراند (زارع نیستانک و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۲). ژیل دلوز و فلیکس گاتاری در کتاب سرمایه‌داری و شیذوفرنی: ضد ادیپ این‌گونه گفته‌اند که ادیپ یک توهم است. میل نه در کمبود، بلکه در تولید و جریان‌های اجتماعی ریشه دارد (Deleuze & Guattari, 1972, p. 1- 50). نانسی چودورو

در کتاب فمینیسم و نظریه‌ی روانکاوی (۱۹۸۹، ص ۹۱-۹۳)، با رویکردی جامعه‌شناختی-روانکاوانه نشان می‌دهد که اگرچه مفهوم «عقده‌ی ادیپ» مطرح‌شده از سوی فروید قابل تأیید نیست؛ اما روابط والد-فرزندی در فرایند شکل‌گیری هویت جنسیتی نقش اساسی دارد. با این تفاوت که این تأثیر بیشتر برآمده از ساختارهای فرهنگی و تقسیم کار جنسیتی در خانواده است تا تمایلات جنسی ناهشیار.

در بررسی این مرحله از دیدگاه منابع اسلامی درمی‌یابیم که بارزترین وجه اختلاف میان مراحل رشد در نظریه‌ی روانکاوی فروید و آموزه‌های اسلامی مربوط به این مرحله است. از دیدگاه منابع اسلامی، برقراری ارتباط جنسی با محارم به هر وجهی که باشد، قبیح است و حرمت سنگینی دارد، چنان‌که قرآن در این باره فرموده است: «وَلَا تَقْرُبُوا الزَّوْجَاتِ كَمَا قَانَتْ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا»^۱. قبح زنا در اسلام به حدی است که مجازات زانی و زانیه در زنا با محارم، صرف‌نظر از محصن بودن یا نبودن و مسلمان بودن یا نبودن، قتل در نظر گرفته‌شده است (حسینی و حیدری، ۱۳۹۰، ص ۱۸).

حال ممکن است گفته شود که تمایل به زنا در ذهن کودک و والدین انجام می‌شود و زنا ی ذهنی نمی‌تواند حرام باشد و بر این اساس، اختلافی بین دیدگاه اسلام و نظرات فروید وجود ندارد؛ اما باید دانست که از نظر اسلام، فکر و میل ذهنی به گناه نیز امری ناپسند و مذموم به‌شمار آمده است؛ چنان‌که امام علی^(ع) فرموده است: «کسی که زیاد به گناهان فکر کند، گناهان او را به‌سوی خود می‌کشاند» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۶۲۳)؛ همچنین در روایتی از امام صادق^(ع) نقل است که عیسی^(ع) به حواریون سفارش کرد که حتی در فکر زنا هم نباشند، چه برسد به ارتکاب آن (بروجردی، بی‌تا، ص ۷۳۱). کراهت فکر کردن به زنا در اسلام به حدی است که در روایتی از امام صادق^(ع) آمده است که به کسانی که در فکر زنا نبوده‌اند، وعده داده‌شده است که در قیامت در امان خدا هستند تا اینکه از حساب فارغ شوند (ابن‌بابویه، بی‌تا، ص ۱۵۷). از سوی دیگر، فروید قائل به دوطرفه بودن اندیشه‌ی میل جنسی به محارم است؛ یعنی میل به برقراری ارتباط هم از سوی کودکان به والدین و هم از سوی والدین به کودکان شکل می‌گیرد. حالت اول، یعنی شکل‌گیری میل جنسی از سوی کودکان مورد تأیید اسلام نیست؛ زیرا این امر مستلزم آن است که خداوندی که خود زنا را حرام کرده است، میل غیر اختیاری به آن را در نهاد کودک به ودیعه گذاشته باشد که نوعی تناقض است و برای خداوند محال می‌نماید. حالت دوم، یعنی میل به ارتباط جنسی از سوی والدین نیز مورد تأیید اسلام نیست؛ زیرا همان‌طور که گفته شد، خداوند برای کسانی که به زنا فکر نکنند، پاداش در نظر گرفته است (همان).

اسلام درباره‌ی نحوه‌ی رفتار با کودکان در زمینه‌ی مسائل جنسی نکاتی مطرح کرده است که با دیدگاه‌های فروید همخوانی ندارد. در آموزه‌های اسلامی به والدین توصیه‌شده است که شرایط و ضوابط مسائل زناشویی خود را به‌گونه‌ای طراحی نکنند که کودک متوجه آن‌ها شود و در معرض آن‌ها قرار گیرد (سعادت‌فرد و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱۰). اگر در محیط زندگی کودک مسائل جنسی

۱- «و به زنا نزدیک مشوید؛ زیرا آن همواره زشت و بد راهی است» (اسراء: ۳۲).

آزادانه برقرار گردد و کودک از آن‌ها مصون نباشد، توجه او به ناحیه‌ی تناسلی خود به‌گونه‌ای نامتعادل افزایش می‌یابد. البته بخشی از این توجه به اقتضای سن کودکان طبیعی است و توصیه‌ای که معمولاً به والدین می‌شود این است که حواس کودک را هنگام بازی با ناحیه‌ی تناسلی خویش پرت کنند تا کودک آن را فراموش کند و از مشکلاتی که ممکن است با این لمس‌ها با آن‌ها مواجه گردد، در امان بماند. در آموزه‌های اسلامی درباره‌ی پوشاندن مسائل جنسی و شهوانی از کودکان سفارش‌های فراوانی شده است. در قرآن آمده است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الْوَالِدِينَ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهْرِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (نور: ۵۸ و ۵۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، قطعاً باید غلام و کنیزهای شما و کسانی از شما که به [سن] بلوغ نرسیده‌اند، سه بار در شبانه‌روز از شما کسب اجازه کنند: پیش از نماز بامداد و نیمروز که جامه‌های خود را بیرون می‌آورید و پس از نماز شامگاهان. [این]، سه هنگام برهنگی شماست، نه بر شما و نه بر آنان گناهی نیست که غیر از این [سه هنگام]، گرد یکدیگر بچرخید [و باهم معاشرت نمایید]. خداوند آیات [خود] را این‌گونه برای شما بیان می‌کند و خدا دانای سنجیده‌کار است؛ و چون کودکان شما به [سن] بلوغ رسیدند، باید از شما کسب اجازه کنند، همان‌گونه که آنان که پیش از ایشان بودند، کسب اجازه کردند. خدا آیات خود را این‌گونه برای شما بیان می‌دارد و خدا دانای سنجیده‌کار است.»

در روایات پیامبر اکرم (ص) و اهل‌بیت (ع) به والدین توصیه شده است که مسائل جنسی و زناشویی را از فرزندان خویش پنهان کنند. این توصیه‌ها جنبه‌های فردی مسائل جنسی را نیز در برمی‌گیرند، به این صورت که دختر یا پسر نباید مواضع خصوصی بدن والدین خود را ببیند. پدر و مادر باید با دقت و بدون ایجاد حس کنجکاوی در فرزند، این مسائل را از او پنهان نگه دارند. امام صادق (ع) در این باره از پیامبر اکرم (ص) نقل کرده است: «مرد نباید همراه با پسر خود به حمام رود، به‌گونه‌ای که به عورت وی نگاه کند. پدر و مادر حق ندارند به عورت فرزندشان نگاه کنند و فرزند نیز حق ندارد به عورت پدرش نگاه کند. پیامبر خدا (ص) نگاه‌کننده و نگاه‌شونده بدون لنگ در حمام را لعن کرد» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ص ۵۹۴). این سفارش‌ها به والدین کودک اختصاص ندارد و همه‌ی اطرافیان مرتبط با او را در برمی‌گیرد. در همین جهت، امام کاظم (ع) درباره‌ی بوسیدن دختر توسط افراد نامحرم فرموده است: «هنگامی که دختر به سن شش‌سالگی رسید، جایز نیست مردی که محرم او نیست، وی را ببوسد» (طوسی، ۱۳۶۵، ص ۴۶۱).

درنهایت می‌توان این‌گونه گفت که قطعاً کودک در این سن حساسیت‌های جنسی دارد. حال فروید این حساسیت‌ها را در دایره‌ای فراخ بررسی می‌کند و آن‌ها را به عقده‌ی ادیپ و الکترا می‌نامد؛ اما در اسلام دستورها بر این پایه‌اند که این احساسات پنهان شوند و توجه کودک نسبت به این کنجکاوی‌ها به حداقل برسد؛ بنابراین، امکان وجود زمینه‌ی حساسیت‌های جنسی در این دوران قطعی به‌نظر می‌رسد؛ اما منشأ و نوع نگاه در این حساسیت‌ها و میزان شدت و ضعفشان

از دیدگاه فروید و آموزه‌های اسلامی متفاوت است. به این صورت که فروید در ضمن تعریف عقده‌های ادیپ و الکترا، حساسیت‌های این دوران را به‌طور قطعی جنسی برشمرده است؛ اما آموزه‌های اسلامی قائل به این نکته‌اند که کودک در این دوران نباید در معرض مسائلی قرار بگیرد که باعث ایجاد حساسیت و توجه خاص وی به مسائل جنسی شود.

۳-۴- نقد مرحله‌ی نهفتگی

فروید در طرحی برای روانکاوی (۱۹۴۰، ج ۲۳، ص ۱۷۰-۱۷۵)، این دوره را دوره‌ی نهفتگی یا آرامش جنسی می‌نامد؛ یعنی دورانی که به علت فعالیت‌های بدنی و آموزشی، کودک مسائل جنسی را به‌دست فراموشی می‌سپارد. هورنای مراحل نظریه‌ی روانی جنسی فروید (از جمله مرحله‌ی نهفتگی) را به علت تأکید افراطی بر غرایز زیست‌شناختی و نادیده گرفتن عوامل فرهنگی و اجتماعی نقد می‌کند. او استدلال می‌نماید که مفهوم «نهفتگی» (سکوت سائق‌های جنسی) بیشتر بازتاب محدودیت‌های فرهنگی جامعه و ویکتوریایی زمان فروید است تا یک واقعیت جهان‌شمول. به جای آن، هورنای بر نقش تعارض‌های بین‌فردی و فشارهای فرهنگی در شکل‌گیری شخصیت تأکید دارد (Horney, 1939, p. 124-127).

در بررسی این مرحله از نگاه منابع اسلامی روایتی به این مضمون وارد شده که کودک در هفت سال دوم عمرش عبد است (طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۲۲۲؛ قمی، ۱۴۱۴، ص ۵۸۰)؛ یعنی آمادگی پذیرش دستورها و اوامر اطرافیان را دارد؛ به این معنا که او هفت سال اول را رها بوده و آقایی کرده است؛ اما بنا نیست که همین سیره را ادامه دهد؛ بنابراین، باید در این مدت معلمان و والدین و اطرافیان به‌خوبی او را آموزش دهند و بایدها و نبایدهای زندگی را به او بیاموزند. از دیدگاه روایات اسلامی، کودک در این سن باید تربیت شود تا جایی که این تربیت به‌عنوان حقی بر گردن پدر کودک گذارده شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ص ۴۸). این آموزش‌وپرورش از منظر اسلام می‌تواند در مسائل علمی، اجتماعی، ورزشی و غیره باشد؛ به‌عنوان نمونه، در روایتی امام معصوم امر فرمودند که به فرزندان خود ورزش‌های شنا و تیراندازی یاد دهید و در جای دیگری، به آموزش قرآن به فرزندان توصیه کرده‌اند و در جای دیگری، امر به آموزش ادب داشتند که آداب اجتماعی را نیز در بردارد (همان، ص ۴۷ و ۴۸ و ۴۹). از جمله روایاتی که در اهمیت یادگیری و آموزش در کودکی آمده است، این روایت است که «الْعِلْمُ فِي الصَّغَرِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ» (مجلسی، بی‌تا، ص ۱۴۴)؛ به این معنا که یادگیری در کودکی مانند نقش بستن در سنگ است؛ و یا میزان و شدت یادگیری در کودک مانند این است که روی سنگ را با تراشیدن چیزی حک شود. این روایت به‌خوبی نشان از اهمیت یادگیری در کودکی دارد. باید دانست که در اسلام در همه‌ی دوران کودکی، به کتمان مسائل جنسی از کودکان سفارش شده است؛ یعنی مثلاً در همین دوره‌ی نهفتگی سفارش شده است که کودکان در معرض مسائل جنسی قرار نگیرند. امام علی^(ع) می‌فرماید: «رختخواب بچه‌های شش‌ساله باید از هم جدا باشد» (ابن‌بابویه، ۱۳۶۷، ص ۸۲؛ طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۲۲۳). این روایات به‌خوبی نشان می‌دهند که حساسیت‌ها و کنجکاوی‌های جنسی کودکان در این مرحله ظهور و بروز خاصی پیدا

خواهد کرد که در مراحل پیش این‌گونه نبود؛ بنابراین، باید از کنجاووی‌ها و دقت‌های غیرضروری و بعضاً مضر که ممکن است از کنار هم خوابیدن کودکان در این سن باهم پیش بیاید، جلوگیری کرد؛ همچنین در بحث بوسیدن روایات متعددی وارد شده است که دخترچه در این مرحله نباید از سوی مرد نامحرم بوسیده شود (طوسی، ۱۴۰۷، ص ۴۶۱؛ کلینی، ۱۴۰۷، ص ۵۳۳) و از سوی دیگر، نشان دادن دخترچه شش‌ساله روی پا برای مرد نامحرم جایز شمرده نشده است (کلینی، ۱۴۰۷، ص ۵۳۳). این روایات به‌خوبی نشان از این مسئله دارد که اطرافیان به‌ویژه کسانی که نامحرم هستند، باید نسبت به کودک به‌ویژه دخترچه در این سن بسیار احتیاط کنند و نکاتی را که ممکن است جنبه‌ی جنسی پیدا کنند، نسبت به ایشان مراعات کنند؛ زیرا کودک در آینده قطعاً تحت تأثیر این رفتارها رشد خواهد کرد. به‌طور خلاصه، از نگاه مکتب روان‌تحلیلی فروید کودک از شش سال به بعد یعنی از شروع هفت‌سالگی، وارد فعالیت‌هایی (مدرسه و...) می‌شود که به‌صورت مسکن او را از مسائل جنسی دور می‌کنند و مسئله‌ی جنسی او را پنهان می‌نمایند و به همین سبب نیز، اسم این مرحله را نهفتگی نامیده شده است؛ همچنین از دیدگاه آموزه‌های اسلامی، کودک از هفت‌سالگی باید به کارهای آموزشی و تربیتی مشغول گردد؛ یعنی هفت سال اول را رهاست و هفت سال دوم باید تربیت شود.

۵- نتیجه‌گیری

این پژوهش با رویکردی تطبیقی-تحلیلی به بررسی مراحل رشد کودک در نظریه‌ی روان‌تحلیلی فروید و مقایسه‌ی آن با آموزه‌های اسلامی پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که برخی از اصول تربیتی فروید مانند اهمیت تغذیه با شیر مادر، اجتناب از فشارهای غیرضروری در آموزش کنترل دفع و مدیریت غیرمستقیم کنجاووی‌های جنسی با دیدگاه اسلامی همپوشانی دارند؛ اما مبانی انسان‌شناختی و تفسیرهای فروید از رفتارهای کودک، به‌ویژه در حوزه‌ی سکسوالیته، با چهارچوب اسلامی ناسازگار است؛ اما درنهایت، پس از بررسی، تطبیق و تحلیل مراحل رشد کودک در نظریه‌ی فروید و آموزه‌های اسلامی، نقاط اشتراک و افتراق به‌دست آمده میان این دو به‌صورت زیر است:

۱-۱- مرحله‌ی دهانی (۰-۱ سالگی)

اشتراک: هر دو دیدگاه بر اهمیت تغذیه با شیر مادر تأکید دارند. پژوهش‌های جدید نیز نشان می‌دهند که این امر علاوه بر تأمین نیازهای زیستی، به رشد عاطفی کودک کمک می‌کند. افتراق: فروید مکیدن شیر را یک فعالیت جنسی تفسیر می‌نماید، درحالی‌که در اسلام، این رفتار صرفاً در چهارچوب نیازهای تغذیه‌ای و عاطفی تحلیل می‌شود.

۲-۲- مرحله‌ی مقعدی (۱-۳ سالگی)

اشتراک: هر دو دیدگاه مخالف فشارهای تحمیلی در آموزش توالیت رفتار هستند و معتقدند، این امر می‌تواند موجب اضطراب گردد. افتراق: فروید کنترل دفع را با «لذت جنسی» مرتبط می‌داند؛ اما اسلام آن را صرفاً یک فرایند

تربیتی می‌پندارد.

۳-۵- مرحله‌ی آلتی (۳-۶ سالگی)

اشتراک: هر دو مکتب بر مدیریت غیرمستقیم کنجکاوی‌های جنسی کودک تأکید دارند. افتراق: فروید با طرح مفاهیمی مانند عقده‌ی اُدیپ/الکترا، روابط کودک-والد را جنسی‌سازی می‌کند، درحالی‌که اسلام چنین تفسیری را رد می‌نماید و بر پاکی روابط خانوادگی تأکید دارد.

۴-۵- دوره‌ی نهفتگی (۶ سالگی تا بلوغ)

اشتراک: هر دو دیدگاه معتقدند، کودک در این دوره باید به فعالیت‌های آموزشی و اجتماعی هدایت شود.

افتراق: فروید این دوره را صرفاً یک «توقف موقت» در تکامل جنسی می‌داند؛ اما اسلام آن را فرصتی برای رشد اخلاقی و عقلانی قلمداد می‌کند.

بنابراین، این پژوهش نشان می‌دهد که برخی از توصیه‌های فروید در زمینه‌ی تربیت کودک با یافته‌های علوم تربیتی اسلامی همسو هستند؛ اما مبانی فلسفی و تفسیرهای او از رشد روانی-جنسی با چهارچوب اسلامی ناسازگار است؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود متولیان تربیت در جوامع اسلامی با نگاهی انتقادی، از جنبه‌های کاربردی نظریه‌ی فروید در چهارچوب ارزش‌های دینی استفاده کنند و از مفاهیم متضاد با آموزه‌های وحیانی اجتناب ورزند. این رویکرد نه تنها از آسیب‌های تربیتی ناشی از برداشت‌های افراطی جلوگیری می‌کند، بلکه به ارتقای یک الگوی تربیتی جامع و متعادل منجر خواهد شد؛ به عبارت دیگر، در جوامع اسلامی، نظریه‌ی فروید را می‌توان با تعدیل و تصفیه از مفاهیم غیرتوافقی با اسلام (مانند جنسی‌سازی رفتارهای کودک) به کار گرفت؛ همچنین مراکز تربیتی مانند آموزش‌وپرورش باید از تقلید کورکورانه از نظریه‌های غربی پرهیز کنند و رویکردی تلفیقی مبتنی بر یافته‌های علمی و ارزش‌های دینی اتخاذ نمایند.

الگوی پیشنهادی برای والدین در تربیت فرزندان به صورت زیر است:

- شیردهی: تغذیه‌ی نوزاد در حد امکان با شیر مادر و به میزان دو سال و قطع شیردهی باید به صورت تدریجی باشد.

- آموزش توالت: پرهیز از تنبیه و تحمیل در فرایند آموزش کنترل دفع.

- مدیریت کنجکاوی‌های جنسی: استفاده از راهبرد «تغافل» (انحراف توجه کودک به فعالیت‌های جایگزین) و پرهیز از مواجهه‌ی زود هنگام با مسائل جنسی؛ همچنین در صورت مشاهده‌ی کنجکاوی جنسی کودک، پرهیز از تذکرات مستقیم به او.

- فعالیت‌های جایگزین: تشویق کودک به مشارکت در ورزش، تحصیل و تعاملات اجتماعی سالم در دوره‌ی نهفتگی.

منابع

- قرآن کریم؛ ترجمه‌ی محمد مهدی فولادوند.
- ابن بابویه، محمد بن علی؛ من لا یحضره الفقیه؛ ترجمه‌ی علی اکبر غفاری و محمد جواد غفاری و صدر بلاغی؛ تهران: نشر صدوق، ۱۳۶۷ ش.
- _____؛ الخصال؛ ترجمه‌ی احمد فهری زنجانی؛ تهران: علمیه اسلامی، بی‌تا.
- _____؛ الخصال؛ ترجمه‌ی یعقوب جعفری؛ قم: نسیم کوثر، بی‌تا.
- _____؛ الأمالی؛ ترجمه‌ی محمد باقر کمره‌ای؛ تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ ش.
- _____؛ علل الشرائع؛ ترجمه‌ی محمد جواد ذهنی تهرانی؛ قم: مؤمنین، ۱۳۸۰ ش.
- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی؛ دعائم الإسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الأحکام؛ قم: مؤسسه‌ی آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۳۸۵ ش.
- ابن فارس، احمد بن فارس؛ معجم مقاییس اللغة مکتب الإعلام الإسلامی؛ قم: مرکز النشر، ۱۴۰۴ ش.
- ابی‌زاده، مهدی؛ «ویکردی روان‌شناختی به مسئله اعتیاد»؛ اصلاح و تربیت، شماره‌ی ۶۹، ۱۳۸۶ ش.
- اسدی، جوانشیر و منور قلی‌زاده؛ «تأثیر شاهنامه فردوسی بر ساختار شخصیتی و رشد روانی-جنسی فروید»؛ اولین کنفرانس بین‌المللی دستاوردهای نوین در علم و تکنولوژی، شماره‌ی ۱، ۱۳۹۶ ش.
- آنسلمو، ساندر؛ رشد در دوره کودکی، پیش از تولد تا هشت سالگی؛ ترجمه‌ی علی آخشینی؛ مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۹ ش.
- باقری سجزی، الهه؛ لطیفی، زهره؛ عبداللهی عظیم السادات؛ «تأثیر آموزش‌دهی مهارت‌های فرزندپروری اسلامی بر کیفیت رابطه‌ی مادر-کودک، بهزیستی روان‌شناختی و خودکارآمدی والدگری مادران»؛ علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، دوره‌ی ۹، شماره‌ی ۱۷، ۱۴۰۰ ش.
- بردبار، معصومه و عاطفه جمالی؛ «تحلیل روان‌شناختی شخصیت نوجوان در رمان این ویلاگ و اگذار می‌شود»؛ مطالعات ادبیات روایی، دوره‌ی ۱، شماره‌ی ۱، ۱۳۹۸ ش.
- برک، لورا؛ روان‌شناسی رشد؛ ترجمه‌ی یحیی سیدمحمدی؛ تهران: ارسباران، ۲۰۱۴ م.
- بروجردی، آقا حسین؛ منابع فقه شیعه (ترجمه‌ی جامع احادیث شیعه)؛ ترجمه‌ی جمعی از فضلا؛ تهران: فرهنگ سبز، بی‌تا.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد؛ غرر الحکم و درر الکلم؛ قم: دار الکتب اسلامی، ۱۴۱۰ ق.
- جزایری، ابوبکر جابر؛ ایسر التفاسیر لکلام العلی الکبیر؛ مدینه منوره: مکتبه العلوم و الحکم، ۱۴۱۶ ق.
- جوادی، محسن؛ اکبری، رضا؛ عظیمی، ریحانه سادات «در ناکارآمدی بررسی علل گرایش به الحاد از دیدگاه جان. جی. پاسکویینی»؛ فلسفه‌ی دین، دوره‌ی ۱۶، شماره‌ی ۱، ۱۳۹۸ ش.
- حر عاملی، محمد بن حسن؛ الفصول المهمة فی أصول الأئمة (تکملة الوسائل)؛ قم: مؤسسه‌ی معارف اسلامی امام رضا علیه‌السلام، ۱۳۷۶ ش.
- حر عاملی، محمد بن حسن؛ تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة؛ قم: مؤسسه‌ی آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۹ ق.
- حسینی، سید محمد و علی‌مراد حیدری؛ «تأثیر خویشاوندی در جرم زنا»؛ حقوق، مجله‌ی دانشکده‌ی

- حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۱، شماره ۴، ۱۳۹۰ ش.
- حکیمی، محمدرضا؛ حکیمی، محمد؛ حکیمی، علی؛ الحیاء؛ ترجمه‌ی احمد آرام؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
 - خمینی، روح‌الله؛ توضیح المسائل؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(ع)، ۱۳۹۲ ش.
 - _____ رساله توضیح المسائل؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(ع)، ۱۴۰۹ ق.
 - دستمرد، مادح؛ بخشش، مریم؛ ابراهیمی شادپی، عاطفه؛ «بررسی جایگاه بازی در تعلیم و تربیت کودکان از نظر مکاتب غربی و اسلام»؛ پیشرفت‌های نوین در روان‌شناسی، علوم تربیتی و آموزش‌وپرورش، دوره ۲، شماره ۱۹، ۱۳۹۸ ش.
 - روحانی، سحر؛ نوظهور، یوسف؛ عبدالله‌نژاد، محمدرضا؛ بخشی‌پور رودسری، عباس؛ «فریاد و بیتگشتانین؛ مقایسه‌ای روش‌شناختی»؛ پژوهش‌های نوین روان‌شناختی، دوره ۱۰، شماره ۳۹، ۱۳۹۴ ش.
 - زارع نیستانک، محمد؛ پویان‌مهر، جعفر؛ بابایی، ناهید؛ «نقدی بر عقده‌ی ادیب ساختار تکاملی»؛ روان‌شناسی و علوم رفتاری ایران، دوره ۴، شماره ۱۶، ۱۳۹۷ ش.
 - ستاری، علی و الهام صفرنواده؛ «مبانی انسان‌شناختی پرورش جسمانی کودکان در تربیت اسلامی با تاکید بر نقش بازی‌های فیزیکی»؛ علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، دوره ۷، شماره ۱۳، ۱۳۹۸ ش.
 - سعادت‌فرد، فاطمه‌سادات؛ خلوتی جابری، سمیه؛ قلتاش، عباس؛ سعادت‌فرد، زهره‌سادات؛ «بررسی تربیت جنسی کودکان و نوجوانان از دیدگاه اسلام»؛ اولین کنفرانس علمی پژوهشی راهکارهای توسعه و ترویج آموزش علوم در ایران، ۱۳۹۴ ش.
 - سیف، سوسن؛ کدیور، پروین؛ کرمی نوری، رضا؛ لطف‌آبادی، حسین؛ روان‌شناسی رشد (۱)؛ تهران: پورروشن، ۱۳۹۵ ش.
 - شحاته، عبدالله محمود؛ تفسیر القرآن الکریم؛ قاهره: دار غریب، ۱۴۲۱ ق.
 - شولتز، دوان. پی؛ شولتز، آلن؛ نظریه‌های شخصیت؛ ترجمه‌ی یحیی سیدمحمدی؛ تهران: ویرایش، ۲۰۱۳ م.
 - طباطبایی، محمدحسین؛ ترجمه‌ی تفسیر المیزان؛ ترجمه‌ی محمدباقر موسوی؛ قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
 - _____؛ المیزان فی تفسیرالقرآن؛ بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.
 - طبرسی، حسن‌بن‌فضل؛ مکارم الأخلاق؛ قم: الشریف الرضی، ۱۳۷۰ ش.
 - _____؛ مکارم الأخلاق؛ قم: الشریف الرضی، ۱۴۱۲ ق.
 - _____؛ مکارم الاخلاق؛ ترجمه‌ی ابراهیم میرباقری؛ تهران: فراهانی، ۱۳۶۵ ش.
 - طلایی، فرهاد؛ احمدی باب اناری، سمیرا؛ نبوی‌زاده سیده لیلا؛ «تحلیلی بر کار کودک و تأثیر آن بر حق آموزش کودک با تاکید بر برنامه بین‌المللی حذف کار کودک»؛ حقوق بشر، دوره ۱۰، شماره ۱، پیاپی ۱۹، ۱۳۹۴ ش.
 - طنطاوی، محمد سید؛ التفسیر الوسیط للقرآن الکریم؛ قاهره: نهضة مصر، ۱۹۹۷ م.

- طوسی، محمدبن‌الحسن؛ تهذیب الأحکام؛ تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۶۵ ش.
- _____؛ تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
- طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن بن علی بن حسن؛ المبسوط فی فقه الإمامیه؛ تهران: المکتبه المرتضویه لإحیاء الآثار الجعفریه، ۱۳۸۷ ش.
- ظفری، مهسا؛ دادخواه، پژمان؛ شریف‌زاده، محمدرضا؛ «تحلیل شخصیت قهرمان اصلی فیلم فارست گامپ (۱۹۹۴)»؛ شباک، دوره ۸، شماره ۱، پیاپی ۶۴، ۱۴۰۱ ش.
- فولادی، آمنه؛ «سیمای انسان کامل در اشعار نظامی گنجوی»؛ مطالعات ادبیات، عرفان و فلسفه، شماره ۴، دوره ۳، ۱۳۹۷ ش.
- فیست، گریگوری جی؛ رابرتس، تامی-آن؛ فیست، جس؛ نظریه‌های شخصیت؛ ترجمه‌ی یحیی سیدمحمدی؛ تهران: روان، ۱۳۹۸ ش.
- فیض کاشانی، محمدمحسن بن شاه مرتضی؛ الوافی؛ اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام، ۱۴۰۶ ق.
- قبادیان، مسلم؛ دهقان، سعید؛ شمخانی، اژدر؛ «تربیت جنسی کودکان و نوجوانان با رویکرد اسلامی بستری برای پیشگیری از جرائم و انحرافات»؛ تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، دوره ۱۰، شماره ۳۸، ۱۳۹۶ ش.
- قرشی، علی‌اکبر؛ قاموس قرآن؛ تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱ ش.
- قمی، عباس؛ سفینه البحار؛ قم: اسوه، ۱۴۱۴ ق.
- کلینی، محمدبن یعقوب؛ الکافی؛ تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
- کدیور، پروین؛ روان‌شناسی تربیتی؛ قم: گل‌ها، ۱۳۹۶ ش.
- کری، جراللد؛ نظریه و کاربردها؛ روان‌درمانی؛ ترجمه‌ی یحیی سیدمحمدی؛ تهران: ارسباران، ۱۳۹۸ ش.
- کرین، ویلیام؛ نظریه‌های رشد؛ ترجمه‌ی غلامرضا خوی‌نژاد و علیرضا رجایی؛ چاپ نهم، تهران: رشد، ۱۴۰۰ ش.
- گودرزی، اکرم؛ سلیمانی دره‌باغی، فاطمه؛ شاه احمد قاسمی، زهراسادات؛ «چیستی و مؤلفه‌های تحول در انسان در سازمان‌های آموزشی بر اساس آموزه‌های اسلامی»؛ علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، دوره ۶، شماره ۱۰، ۱۳۹۷ ش.
- لیثی واسطی، علی‌بن‌محمد؛ عیون الحکم و المواعظ (للثی)؛ قم: دار الحدیث، ۱۳۷۶ ش.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی؛ بنادر البحار (ترجمه و شرح خلاصه‌ی کتاب العقل و العلم و الجهل، ج ۱ و ۲ بحار الأنوار)؛ ترجمه‌ی علی‌نقی فیض‌الاسلام؛ تهران: فقیه، بی‌تا.
- _____؛ بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
- مرتضی زبیدی، محمدبن‌محمد؛ تاج العروس من جواهر القاموس؛ لبنان: دار الفکر، ۱۴۱۴ ق.
- مصطفی، ابراهیم؛ المعجم الوسیط؛ ترکیه: دار الدعوة، ۱۹۸۹ م.

- مقدادی، محمد مهدی و مریم جوادپور؛ «پیشگیری از آسیب‌های جنسی کودکان در اسلام»؛ اخلاق زیستی، دوره ۷، شماره ۲۳، ۱۳۹۶ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر؛ الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل؛ قم: مدرسه الإمام علی بن ابی طالب (علیه السلام). ۱۴۲۱ ق.
- _____؛ رساله توضیح المسائل؛ قم: مدرسه الإمام علی بن ابی طالب^(ع)؛ ۱۴۲۹ ق.
- مهنا، عبدالله علی؛ لسان اللسان؛ لبنان: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۳ ق.
- موسوی بجنوردی، سید محمد؛ «بررسی مفهوم و معیار کودکی در تفکر اسلامی و قوانین ایران برای بهره‌برداری از حقوق مربوطه»؛ متین، شماره ۲۱، ۱۳۸۲ ش.
- نفیسی، علی اکبر؛ فرهنگ نفیسی؛ تهران: خیام، ۱۳۴۲ ش.
- نیکنامی، ندا؛ آقای، علی اصغر؛ کاظمی، سارا؛ «خشونت خانگی؛ نقض کرامت ذاتی کودک و راهکارهای مقابله با آن در اندیشه‌ی حقوقی اسلام»؛ تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین الملل زمستان، شماره ۲۲، ۱۳۹۲ ش.
- هال، کالوین اس؛ مقدمات روان‌شناسی فروید؛ ترجمه‌ی شهریار شهیدی؛ قم: آینده درخشان، ۱۳۹۱ ش.
- Bandura, A. (1977). *Social Learning Theory*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.
- Bowlby, J. (1969). *Attachment and Loss: Vol. 1. Attachment*. New York: Basic Books.
- Chodorow, N. (1989). *Feminism and psychoanalytic theory* New Haven, CT: Yale University Press.
- Erikson, E. H. (1950). *Childhood and Society* (2nd ed). New York: W. W. Norton.
- Freud, S. (1905). *Three essays on the theory of sexuality*. In J. Strachey (Ed. & Trans.), *The standard edition of the complete psychological works of Sigmund Freud*. Hogarth Press. (Original work published 1905)
- Freud, S. (1909). *Family romances*. In J. Strachey (Ed. & Trans.), *The standard edition of the complete psychological works of Sigmund Freud* London: Hogarth Press. (Original work published 1909)
- Freud, S. (1940). *An outline of psycho-analysis*. In J. Strachey (Ed. & Trans.), *The standard edition of the complete psychological works of Sigmund Freud* London: Hogarth Press.
- Kagan, J. (1994). *The nature of the child* (3rd ed). New York, NY: Basic Books.
- Deleuze, G., & Guattari, F. (1972). *Anti-Oedipus: Capitalism and Schizophrenia*. University of Minnesota Press
- Horney, K. (1939). *New Ways in Psychoanalysis*. W. W. Norton & Company.